

مرد و جانمرد

نوشته ی آزاد کریمی



ماردوخ و اژدهای خارونا (سمت راست) - نرگال و بهرازان (سمت چپ)

مرد: نرگال، او فرزند انلیل و نینلیل است و نماد او تازیانه است. او برادر کاش است.

مارس، پارس، پارسو-ماه، پارسو-ماش، سوریگاش، شوروپاگ، سوریجا، مارد، مرد، رادهسوار، سور، رافائیل، سواره، سوارهگه، سوارهکه، سورهکه، سولاکه، سالوکه، جولهکه، جولا، نوازنده ی چنگ، شاخ، شاخه، پنجه دست، خارونا، ارخوان، هارونا، وهران، وهرام، بهرام، پهرام، ئورام، هاورام، ئابراهام، بهخرمن، بهرخن، بهرخ، بره، پهلو، پآله، قفسه ی سینه، پهسهک، زبان و وفاداری (پارسه،سگ نگهبان)، صدا و پاییدن (شوفار، گورگ)، روح و روان.

جانمرد: ماردوخ، اورنگ، مارجووت، جومگرد، او فرزند انکی و ایناننا است و نماد او جوانه یا چل یا چرو است.

داستان تولد ماردوخ یا جانمرد از این قرار است که:

ئوتوش یا آتش ایزد نگهبان خورشید فرزند شاماش یا چشمه آب روان ایزد نگهبان ماه در برج دوازدهم که نشانی تهشوب ایزد رعد و برق است با کمک انکی ایزد نگهبان کوهپایه ها، انلیل ایزد نگهبان ستون باد و هانه ایزدبانوی نگهبان پاکی آب و نرگال ایزد نگهبان رمهکه (اولین اشعه ی خورشید) و دوموزید ایزد نگهبان روح خدای خالق در ایندیوار یا کوردیلمون هومخشه‌تیره تحت نظارت آنو ایزد نگهبان جهان پیدا درگودال یا کان و با اراده ی خدای خالق ماردوخ ایزد نگهبان طبیعت جاندار را به دنیا آوردند.

اراده ی خدای خالق بر تهشوب قرار گرفت و او بر هومخشه‌تیره که یک سنگ خوشه‌انگوری بود و در درون آن محلول آب-نمک قرار داشت و مسکن ایزدان آنوماکی یا آب نمکی بود ضربه زد که باعث ایجاد یک جرقه شد که مانند تجلی شاماش در ازلیت بود و این جرقه در آب نمک داخل سنگ هومخشه‌تیره باعث ایجاد انفجار شد و سنگ ترکید و از آن آب جاری شد و اندیشه‌ی هستی مادی که خدا در ذهن داشت شکل انتزاعی گرفت.

اما تجلی مرحله ی طبیعی و پدیداری این ماجرا چنین آغاز شد:

از بخار ایجاد شده از آب نمک داخل هومخشه‌تیره یک ابر سفید تشکیل شد که نماد روح بود. این ابر سفید به شکل هومخشه‌تیره بود، یعنی تجلی مادی هومخشه‌تیره بود و مانند یک گاو سفید به نظر می رسید.

این ابر سفید نیشای، نژه، میخا و میگا و میکا و مژ بود و سفیدی آن از انلیل بود و دارای انرژی جنبشی (روان، روهه، مار) بود که این انرژی جنبشی در اتم متجلی بود. این اتم دارای سه ذره بود الکترون، نوترون و پروتون. نوترون خنثی بود و چاشنی انفجاری بود. نرگال ایزد نگهبان انرژی جنبشی یا رمه که یا نور خورشید بود. از این رو به او ایزد نگهبان "روان" می گویند. این گاو به گوساله ی امرتو یا مارتیر یا گوساله ی مرد یا گاو مرد یا جانمرد معروف بود. در عبارت مارتیر مار نماد نرگال و تیر نماد انلیل است. زیرا مارتیر تجلی گاو سفید است که دارای انرژی جنبشی و رنگ سفید بود. اما مارتیر که برخاسته از آب نمک داخل هومخشه تهره بود یک منبع آب شیرین بود که تلخ و شور نبود. مدل پیشنهادی برای عبارت شیرین یک شیرنشسته است در امتداد ازل به ابد یا پشت به زحل رو به خورشید که از دهان او آب به بیرون می جهد. شیرینی آب به ایزد هانه برمی گردد. این آب پاک است و شوری آن از نرگال است. جرقه ی ایجاد شده توسط تشوب که سفید درخشان بود بر ذره ی نوترون اتم یا هومخشه تهره تاثیر گذاشت و آن را منفجر کرد.

تمامی آنچه به شکل انتزاعی در جهان چهار بعدی وجود داشت با ظهور ماردوخ یا "مرد و گاو" رنگ سه بعدی و این جهانی گرفت. جانمرد نماد زندگی طبیعی است. با تولد ماردوخ تثلیث مقدس شکل گرفت. پدر انکی، پسر ماردوخ و روان که در قربانی شدن گاو سفید متجلی شد. اما یک رحم پاک برای تولد طفل لازم بود و آن عرصه ی پاکی آب یا ایناننا یا "درگوش، زردشته" بود. آن عرصه شیرین یا شارا یا شاری بود. در آرامی به آن شاتر-نپ می گویند. یعنی سردآب... یعنی چاه یا مخزن آب زیرزمینی سرد، و مرده شیر، نرده شیر یا بهر-د شیر که فضای داخلی هومخشه تهره است. بنابراین مهرابه یا غارهای عبادت ماردوخیها در قدیم تجلی فضای داخلی هومخشه تهره است. انکی و ایناننا برادر و خواهر هستند از اینرو ازدواج خواهر و برادر در زمانهای قدیم سنتی به جا مانده از فرهنگ ایزدان آنوماکی است. برای نمونه ابراهام و سارا. این سنت در زمان موسی ملغی شد اما در میان خزایی های کردستان که ساسانیها پیروان آن بودند رایج بود. اما چرا به ماردوخ یا مردگاو لقب مرد دوم داده اند؟

نرگال پسر عموی ماردوخ است. او مرد اول است. او ایزد نگهبان روح است. او واسطه ی حلول روح است. یعنی دالانی است که روح ماردوخ یا جرقه ی تشوب که ناشی از اراده ی خدا است و (دست الیاس تجلی آن است) از آن رد می شود و در آب یا "مه گاوی شکل سفید رنگ" قرار می گیرد و این توده ی ابری را منفجر می کند و تبدیل به باران می کند که به خون گاو قربانی تشبیه شده است. این دالان در شوفار یا شاخ گاو متجلی است. این جرقه از یک سو به سنگ زده شد تا به داخل آن یعنی اردشیر وارد شود و گاو سفید را که همان توده ابر سفید است دچار فعل و انفعالات کند و تبدیل به صدا

و باران کند. اما در داخل به دو قطب مثبت و منفی تبدیل شد زیرا همزادان در آنجا انرژی تشوب را تجزیه و هماهنگ کردند. میدان مغناطیسی ایجاد شده به یک خنجر (چرخه‌خن، چرخه‌خو، ارا به ی نرگال) تشبیه شده است که در دست ماردوخ قرار می‌گیرد و به گردن گاو می‌زند و او را می‌کشد. بنابراین نرگال همان دالان نوری است. نرگال یک پاره از نور مرکز خورشید است که به سوی ذره پرتاب شد. به همین دلیل به آن سوریتاج می‌گویند. خورشید تجلی ذات گرم و روشنایی بخش خدای خالق است. اما دوموزید تجلی بخش پنهانی و میانی دیواره ی هوشسته‌تره است که "کور" یا ژرفا نام دارد. یعنی وسط دیواره ی هوشسته‌تره که دارای دو رویه‌ی داخلی و خارجی است. رویه ی خارجی آن نمای بیرونی آن است که سنگ است و اصلاًحا به آن بهرد، و مرد، دهر، دهره‌وه، دیوار، تهومره، تهور است که تشوب نگهبان آن است و عدد آن دوازده است و نماد سیاره ی پلوتو است. و سمبل آن گراز است. اما رویه ی داخلی آن که شیر است و گاوسفید قربانی در فضای آن قرار دارد بره سمبل آن است و ایزدبانو ایناننا نگهبان آن است. در حقیقت نرگال دیده‌بان و ناظر و شاهد بر این دیواره‌ی سنگی است و حاکم بر بره و گراز است. او بر ایناننا و تشوب اشراف دارد زیرا در مرکز ذره قرار دارد و همه جا را می‌بیند. او در آریانم و ایچه قرار دارد که مکان ماه است و خود او در خارونا بام یا بام ارخوان در بلندای مرکزی آریانم و ایچه که نماد ماه است ایستاده است.

اما منشاء ایجاد مه یا گاو سفید چیست؟ وقتی هوشسته‌تره از تن خدا جدا شد و در مقابل خدا قرار گرفت و خدا اجازه داد تا سرد شود یعنی بمیرد، روح خدا که در داخل این ذره بود و ذره بواسطه ی آن زنده بود درواقع به خواب رفت و آن خواب را رازان یا رازه می‌گویند. در واقع "اوریان" یا بیداری نماد انرژی پویا و جنبشی و خواب یا "رازان" نماد انرژی اینرسی است. وقتی روح خدا به خواب رفت این پاره از روح او که در ذره قرار داشت توسط ایزد دوموزید نگهبانی می‌شد. وقتی روح ذره به خواب رفت سرد شد و در آب سرد متجلی شد و به بافت سنگ رسوخ کرد جایی میان گراز و بره. آنجا "کور" یا چاه است. روح خدا که خوابیده بود یک کورپا یا پاکور یا یک بچه ی معصوم در گهواره بود و نماد آن یک کبوتر یا کریم است. روح خدا در کور به مدت سه رازه خوابید و دوموزید در آنجا از او مراقبت می‌کرد. بعد از سه رازه کورپا که یک نوترون یا ذره ی خنثی بود بیدار شد و توسط نیروی تشوب که یک جرقه بود از خواب بیدار شد و از چاه سرنوشت یا چمچاره که "کور دیلمون" یا چاه ماه تیر (چاه مرد، جانمرد) یا چاه مردوخ نامیده می‌شد بیرون آمد و ماردوخ متولد شد. ماردوخ چون نور در آب بود به نمادی از غسل تعمید معروف شد و چون معصوم بود و مانند یک کودک بود مانند یک یا کریم تصور می‌شد. ماردوخ دارای انرژی نوترون است و تحرک او نمادی از مار است اما چون دو مار الکترون با بار منفی و پروتون با بار مثبت باعث جاننداری او هستند پس او

همراه با یک مار با زبان دو سر و با دو دست و دوپا معرفی می شود. این مار به ارخوان یا اژدهای خارونا معروف است که صفحه ی سیاه و سفید شطرنج است. خارونا یا ئهرخانه همان چارونا، چارینا، چاوهروان، جانهور، خاورهن، چارخانه یا آب زندگی است. که سایه روشن است. که سمبل رنگ خاکستری است و این خاکستری نشانه ی خاک سوخته ی هومخشه تهره پس از انفجار است که از زیر آن ققنوس یا انوش یا فانوس با وزش باد انلیل شعله ور می شود و چون ماردوخ از آن بیرون آمد یک روح بالغ و کامل بود و یک مرد بود و در گستره ی گاو قربانی یا مه سفید رشد کرده بود به ماردی گاو یا مرداوه، مارده، گوگرد و جانمرد و جوامیر معروف شد. نرگال شاخه و ماردوخ چل یا چرو بود پس آن دو با هم درخت زندگی یا کلروفیل را ایجاد کردند و عدد کلروفیل چل یا چل یا چهل است. بنابراین شب زمستان که یلدا یا چله نامیده می شود نمادی از تولد درخت زندگی است. دوموزید نگهبان همان روح خدا است که در ذره وجود داشت و سپس در هیئت ماردوخ ظاهر شد. پس از اینکه ماردوخ متولد شد دوموزید به نگهبانی درخت زندگی منصوب شد زیرا ماردوخ به تجلی مادی "بودن" یعنی هستی پرداخت و ایزد نگهبان "هستی" شد و دوموزید به ایزد نگهبان "خهزا" یا طبیعت پرداخت. از این رو کسانی که به تناسخ یا چمچاره اعتقاد دارند خزایی یا دوموزیدی، ماردوخی، نرگالی، اینانایی، انلیلی، شاماشی، ئوتوشی، انکاو و آنویی یا آنوماکی یا انوشی هستند.

بنابراین تمامی ادیان کنونی خاورمیانه ریشه در این فرهنگ دارند. آنچه ذکر گردید تفاوت مرد یا نرگال و جانمرد یا ماردوخ بود.

توجه:

این مقاله را می توانید در وبسایت قلم از راه این لینک بخوانید:

https://www.qelam.com/index.php?option=com_content&view=article&id=4306:mrd-w-janmrd&catid=84&Itemid=479